



خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال سوم، شماره بیست و چهار، خرداد ۱۳۹۵

- ◆ برگزاری جلسه شورای توسعه پژوهش و فناوری در علوم انسانی و هنر وزارت عتف در پژوهشگاه
- ◆ دکتر وحید احمدی: برنامه محوری و پژوهش محوری از اهداف ما در حوزه علوم انسانی است
- ◆ دیدار پروفسور آندره اسمیرنوف، رئیس انستیتوی فلسفه روسیه و هیأت همراه از پژوهشگاه
- ◆ مراسم رونمایی از کتاب شرح الهیات نجات شیخ الرئیس ابوعلی سینا
- ◆ برگزاری نشست هیأت امناء پژوهشگاه
- ◆ جلسه هیأت امنای کتابخانه استاد مینوی برگزار شد
- ◆ برگزاری جشن نیمه شعبان در پژوهشگاه
- ◆ بازخوانی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در عرصه سیاست خارجی
- ◆ بررسی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا با تأکید بر ایران پسابرجام
- ◆ گزارش نشست «اقتصاد مقاومتی و نقش دولت در آن»
- ◆ دلایل افول معتزله در جهان اسلام و تبیین ضرورت احیای تفکر اعتزالی در عصر حاضر
- ◆ برگزاری نشست «جنبش‌های اجتماعی جدید، جستجوی هویت‌های فرهنگی و تأثیر آن بر امنیت جامعه‌ای؛ با تأملی در باب جامعه ایرانی»
- ◆ نشست کتاب‌خوان تخصصی «امام و انقلاب اسلامی» برگزار شد

برگزاری جلسه شورای توسعه پژوهش و فناوری در علوم انسانی و هنر وزارت عتف در پژوهشگاه

جلسه شورای توسعه پژوهش و فناوری در علوم انسانی و هنر وزارت عتف، روز چهارشنبه مورخ ۲۶ خرداد در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این جلسه آیین‌نامه رساله‌های دوره دکتری، به منظور برنامه‌محور کردن پروژه‌ها و رساله‌ها در علوم انسانی بررسی شد. همچنین معاون پژوهشی دانشگاه تهران گزارشی از وضعیت پژوهش، آموزش، فناوری و تحصیلات تکمیلی و در مجموع برنامه‌های علوم انسانی این دانشگاه و آمار تولید مقالات اعضای هیأت علمی این دانشگاه را ارائه کرد.



تبریک

سرکار خانم دکتر الهام ملک‌زاده عضو محترم هیأت علمی پژوهشگاه تاریخ انتخاب مقاله شما با عنوان «تاریخ حجاب و پوشش در ادیان الهی و تمدن‌های بزرگ» به عنوان مقاله برتر نهمین «کنگره پیشگامان پیشرفت» که در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ در مرکز همایش‌های کتابخانه ملی ایران برگزار شد را تبریک گفته و از درگاه خداوند متعال توفیق روز افزون شما را آرزو مندیم.

روابط عمومی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

انتصاب

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی دکتر مصطفی عاصی را به عنوان «رئیس کمیسیون تخصصی زبان و ادبیات هیأت ممیزه پژوهشگاه»، دکتر نعمت‌الله فاضلی را به عنوان «رئیس کمیسیون تخصصی علوم اجتماعی هیأت ممیزه پژوهشگاه» و دکتر زهرا پارساپور را به عنوان «رئیس کمیسیون تخصصی علوم انسانی هیأت ممیزه پژوهشگاه» به مدت دو سال، منصوب کرد. همچنین در حکم دیگری دکتر مهدی بنایی جهرمی به عنوان «مدیر گروه پژوهشی تاریخ و تمدن غرب» منصوب شد.

دکتر وحید احمدی: برنامه محوری و پژوهش محوری از اهداف ما در حوزه علوم انسانی است

این شورا، جهت اجرایی شدن باید به بررسی و تصویب دانشگاه‌ها نیز برسد. وی همچنین گفت: در این جلسه بحث گزارش وضعیت علوم انسانی در دانشگاه تهران نیز مطرح شد، که در آن معاون پژوهشی دانشگاه تهران گزارشی از وضعیت پژوهش، فناوری، آموزش تحصیلات تکمیلی و در مجموع برنامه‌های علوم انسانی این دانشگاه و آمار تولید مقالات اعضای هیأت علمی این دانشگاه ارائه کرد که خوشبختانه شاهد این هستیم که در کل کشور، همانگونه که در سایر رشته‌ها انجام گرفته، در علوم انسانی نیز گرایش به سمت پژوهش محوری و برنامه محوری انجام گرفته است.

دکتر وحید احمدی با اشاره به سیر صعودی برنامه راهبردی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به سمت اهداف پژوهش محوری و برنامه محوری گفت: خوشبختانه برنامه راهبردی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سیر صعودی و قابل قبولی به سمت انجام برنامه و طرح‌های سطح ملی و کلان دارد که به نظر من باید بتوانیم اعضای هیأت علمی و دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی را نیز به این سمت سوق دهیم. همگرایی پژوهشگاه با شورای توسعه پژوهش و فناوری در علوم انسانی و هنر، و سایر مراکز پژوهشی و دانشگاه‌ها نیز کمک می‌کند تا رشد بیشتری در حوزه علوم انسانی داشته باشیم. با توجه به اینکه در زمان‌های گذشته نتوانسته‌ایم میان مجموعه‌های پژوهشی و آموزشی و نیازهای جامعه ارتباط برقرار کنیم، طبیعتاً باید تلاش بیشتری در این زمینه انجام دهیم. با توجه به گزارش تعداد پروژه‌ها و نیز رویکردی که پژوهشگاه علوم انسانی به درگیر شدن با فناوری و نیازهای جامعه دارد امیدواریم هرچه سریع‌تر بتوانیم به این هدف برسیم.

دکتر وحید احمدی در پایان تأکید کرد: پژوهشگاه علوم انسانی ظرفیت و جایگاه خوبی در سطح کشور دارد که همه باید در حفظ و ارتقای این مجموعه تلاش کنند تا در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز تحقیقات و همکاری‌های مشترک بیشتری صورت گیرد.

برگزاری شورای توسعه پژوهش و فناوری در علوم انسانی و هنر، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فرصتی را فراهم آورد تا خبرنگار واحد روابط عمومی پژوهشگاه در گفتگویی با دکتر وحید احمدی، معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به بررسی روند برگزاری این جلسه بپردازد.



در آغاز دکتر احمدی با اشاره به مشکلات پژوهش و فناوری در جامعه، گفت: یکی از کارهای اساسی که مورد توجه این دولت است مسأله پژوهش و فناوری و ایجاد فضایی است که بتوانیم حوزه علوم انسانی را در سطح منطقه گسترش دهیم و دانش‌آموختگان این حوزه را با نیازهای جامعه درگیر کنیم. اساس و دستور جلسه این شورا، بررسی آیین‌نامه رساله دوره دکتری، به منظور برنامه محور کردن پروژه‌ها و پایان‌نامه‌ها در علوم انسانی است که محور اصلی آن بر مبنای این است که چگونه در مجموعه عظیم آموزش عالی به‌ویژه حوزه علوم انسانی - که تقریباً ۵۰ درصد آموزش عالی در حوزه علوم انسانی است - بتوانیم مأموریت‌گرا و هدفمند عمل کنیم.

وی با اشاره به اینکه این آیین‌نامه هنوز به تأیید نهایی نرسیده، تأکید کرد علاوه بر بررسی و تصویب آن در

دیدار پروفسور آندره اسمیرنُف، رئیس انستیتوی فلسفه روسیه و هیأت همراه از پژوهشگاه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی روز سه‌شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۵ میزبان پروفسور آندره اسمیرنُف، رئیس انستیتوی فلسفه روسیه و هیأت همراه؛ رزانا پسخو، تاتیانا کورنیوا و ایلشات نصیراف بود.

در ابتدای این دیدار که تعدادی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه نیز حضور داشتند؛ دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن خیرمقدم به میهمانان خارجی، با اشاره به مجاورت جغرافیایی و مشترکات فرهنگی به‌ویژه در حوزه‌های ادبی و فلسفی ایران و روسیه گفت: این اشتراکات را می‌توان نقطه عزیمت مهمی برای همکاری میان دو مرکز دانست و اظهار امیدواری کرد که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تکیه بر فرهنگ و تمدن کهن ایران و با برخورداری از سرمایه‌های علمی گراندردی همچون استاد کریم مجتهدی بتواند روابط خود را با کشور روسیه، به‌ویژه انستیتوی فلسفه روسیه گسترش دهد.

دکتر قبادی با اشاره به آثار علمی و مقالات فارسی که مورد توجه دانشمندان روسی قرار گرفته، گفت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایرانی‌ها نیز توجه ویژه‌ای به فرهنگ و زبان روسی داشته‌اند و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز آمادگی لازم را برای گسترش تحقیقات و مطالعه در زمینه فرهنگ و ادب روسی دارد.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن پیشنهاد انعقاد تفاهم‌نامه میان پژوهشگاه و انستیتو، تأکید کرد: یکی از محورهای تفاهم‌نامه می‌تواند در زمینه تبادل دانشجو و ایجاد فرصت‌های مطالعاتی برای اساتید و محققان دو مرکز باشد.

پروفسور آندره اسمیرنُف نیز با ابراز خرسندی از فراهم شدن فرصت این دیدار و حضور در پژوهشگاه، با استقبال از انعقاد تفاهم‌نامه بین دو مرکز، گفت: انستیتوی فلسفه روسیه در سال ۱۹۲۹ تأسیس شده است و اکنون دارای حدود ۲۷۰ عضو هیأت علمی است. این انستیتو دارای بخش‌های متعددی در موضوعات مختلف فلسفی است همچون: معرفت‌شناسی، که به موضوعات کلاسیک می‌پردازد، معرفت‌شناسی اجتماعی که بر دانش و مفاهیم اجتماعی تمرکز دارد و گروه‌هایی همچون فلسفه اجتماعی، فلسفه سیاست، اخلاق و زیبایی‌شناسی، مطالعات جامع انسان‌شناسی و گروهی به نام اخلاق زیستی دارد. وی افزود: تنها شاخص مهم برای انستیتو، تخصص‌گرایی و حرفه‌گرایی بوده و اعتقاد به آزادی در تحقیق برای ما جایگاه ویژه‌ای دارد، چراکه فلسفه، یعنی جستجوی آزادی و این به معنای آزادانه سؤال کردن و آزادانه به دنبال پاسخ گشتن است. به همین دلیل است که در زمینه‌های مختلفی نیز تحقیق و پژوهش می‌کنیم.





إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

با نهایت تأسف درگذشت محمود شالچی طوسی، معاون اداری-مالی سابق پژوهشگاه علوم انسانی را به خانواده محترم ایشان و همه همکاران تسلیت عرض می‌کنیم.



سرکار خانم مقیسه

مصیبت وارده درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت گفته، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم، علو درجات و برای سرکارعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل آرزومندیم.



جناب آقای جمشید بابایی

مصیبت وارده درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض کرده، از خدای سبحان، برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



رئیس انستیتوی فلسفه روسیه با اشاره به تغییر رویکرد سال‌های اخیر انستیتو از پژوهش و توجه صرف به فلسفه غرب و اروپامحور، به مطالعه و توجه به فلسفه اسلامی و فلسفه شرقی، گفت: ما در این زمینه توانسته‌ایم نزدیک به ۱۲ کتاب چاپ کنیم و حدود ۵ کتاب نیز در دست چاپ قرار دارد. همچنین انتشار و نگارش کتاب‌های آموزشی در زمینه دنیای اسلام نیز در برنامه‌های ما قرار دارد.

پروفسور اسمیرتف در پایان بر آمادگی کامل انستیتو برای همکاری با پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در زمینه‌های مختلف پژوهشی و آموزشی در حوزه فلسفه تأکید کرد.

در ادامه این دیدار اعضای هیأت علمی پژوهشگاه نیز به بیان زمینه‌های همکاری موجود میان پژوهشگاه و انستیتو فلسفه روسیه پرداختند و خواستار همکاری در زمینه‌های مختلف از جمله معرفی فلسفه اشراق، فلسفه مشاء، حکمت متعالیه و نیز مطالعات فرهنگی ایران شدند.



مراسم رونمایی از کتاب شرح الهیات نجات شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا

درس‌گفتار برگزار شد و پس از آن، این درس‌گفتارها پیاده‌سازی، تنظیم، ویراستاری و در نهایت به انتشار رسید.



در بخش دیگری از مراسم دکتر مهدی محقق، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، گفت: کوچک‌ترین پسر بنده که ۱۹ سالش است، از شاگردان حاج آقا مصطفوی هستند به همین دلیل در منزل ما هر شب ذکر خیر و شیوه‌تعلیم و تدریس ایشان بوده‌ام. رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی افزود: فلسفه اسلامی بی‌جهت مورد هجومه قرار گرفت و تکفیر شد در حالی که این سرزمین خاستگاه فلسفه بوده و نباید هیچ‌گاه فروغ آن خاموش شود. دکتر محقق ادامه داد: استادان ما باید کوشش کنند به دانشجویان ما عربی خواندن را یاد بدهند چون متأسفانه امروزه بسیاری از دانشجویان و حتی فرهیختگان ما نمی‌توانند عربی بخوانند لذا وجود کتاب‌هایی مثل کتاب آیت‌الله مصطفوی را باید غنیمت شمرد. وی اضافه کرد: این تفکر غلط که فلسفه اسلامی بعد از ابن‌رشد زیر خاک رفت، باید باطل شود و همه ما وظیفه داریم که فلسفه اسلامی را از مظلومیت نجات دهیم. آثاری مثل کتاب آیت‌الله مصطفوی، یادگاری برای آیندگان است.

دکتر غلامرضا اعوانی، رئیس انجمن حکمت و فلسفه ایران و از چهره‌های ماندگار فلسفه، سخنران بعدی این مراسم بود. وی گفت: وجود آیت‌الله مصطفوی و کتابی که امروز به خاطر رونمایی آن، اینجا هستیم گویای این مطلب است که حکمت در سرزمین ایران هنوز زنده است؛ موضوعی که آن را در جای دیگری نمی‌بینیم. این چهره ماندگار فلسفه ادامه داد: عظمت ابن‌سینا بیشتر از چیزی است که ما می‌شناسیم، او با ارسطو خیلی فرق دارد و خدمت بسیار زیادی به حکمت کرده است. در همین جا لازم است

مراسم رونمایی از کتاب «شرح الهیات نجات ابوعلی سینا» (دروس آیت‌الله سید حسن سعادت مصطفوی) با حضور جمعی از استادان برجسته در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این مراسم که مدیریت آن را قاسم پورحسن، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی بر عهده داشت، چهره‌های برجسته‌ای همچون مهدی محقق، حجت‌الاسلام احمدی والمسلمین احمد احمدی، کریم مجتهدی، حسین کلباسی، عبدالله نصری و موسی حقانی، حضور داشتند.



دکتر پورحسن در ابتدای مراسم با اشاره به اینکه کتاب «الهیات نجات ابوعلی سینا» خلاصه کتاب «شفا» نیست، گفت: شرحی که آیت‌الله مصطفوی بر این کتاب نوشته‌اند، یکی از شرح‌های مهم است و این کتاب دارای چهار بخش است: منطق، طبیعیات، ریاضیات و الهیات. پس از توضیحات دکتر پورحسن، دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن عرض خیرمقدم و خوشامدگویی به حاضرین، گفت: ایران سرزمین معرفت، صیانت و تفکر است و توانایی این را دارد که میراث خود را بازآفرینی کند. ملتی می‌تواند به توسعه برسد که بتواند میراث خود را بازآفرینی کند. کار آیت‌الله مصطفوی هم از این جهت ارزشمند است.

پس از سخنرانی دکتر قبادی، دکتر فروغ پارسا، رئیس پژوهشکده حکمت معاصر گفت: ابن‌سینا یک شخصیت جهانی و از تأثیرگذارترین فیلسوفانی است که نظریات علمی‌اش نه تنها در جهان اسلام بلکه در غرب و شرق بسیار مطرح است. وی افزود: پروژه برگزاری درس‌گفتارهای آیت‌الله مصطفوی از نیمه دوم سال ۱۳۸۹ توسط دکتر کلباسی آغاز شد. از همان زمان تا سال ۱۳۹۱، ۵۶ جلسه

و حق برداشته شود؟ معمولاً پاسخ به این سؤال منفی است چون تا وقتی که تعلقات مادی در ما وجود دارد، ما نمی‌توانیم واصل الی‌الله شویم، اگرچه ملاصدرا معتقد است ما با علم حضوری می‌توانیم شهود حق کنیم ولی اصلاً این‌گونه نیست چون ذات خداوند برای ما قابل درک نیست و ما می‌دانیم او محیط بر همه است و ذره‌ای از عالم وجود بر او مخفی نیست. این مراسم با رونمایی از کتاب «شرح الهیات نجات بوعلی‌سینا» و قدردانی از آیت‌الله سید حسن سعادت مصطفوی به پایان رسید.

که اشاره کنم ایرانیان سهم بسیاری در حکمت دارند و با اینکه بزرگترین سخنگویان ضد عقلی در ایران بودند، باز هم حکمت در ایران به قوت خود باقی ماند. اینکه شیعیان بسیاری هم در ایران هستند به خاطر همین حکمت است. آخرین سخنران این مراسم آیت‌الله سید حسن سعادت مصطفوی؛ استاد حوزه و دانشگاه و شارح کتاب «الهیات نجات» بود. وی گفت: بر اساس قرآن، ما تعلیم علم را به کسی نمی‌توانیم بدهیم و فقط خداوند می‌تواند به انسان یاد بدهد. تنها کاری که دانشمند می‌تواند انجام دهد این است که موانع را برطرف می‌کند تا علم الهی افاضه شود؛ پس علم را خدا می‌دهد و استاد موانع را برطرف می‌کند. آیت‌الله سعادت مصطفوی در پایان گفت: یکی از سؤالاتی که مطرح است، این است که آیا می‌شود حجاب بین ما



برگزاری نشست هیأت امناء پژوهشگاه

عزیزی، احمد مسجدجامعی و خانم دکتر فاطمه طباطبائی اعضای حقیقی هیأت امناء پژوهشگاه هستند و آقایان دکتر: محمد فرهادی، سید ضیاء هاشمی، عبدالرضا باقری و بهزاد قره‌یاضی اعضای حقوقی این هیأت را تشکیل می‌دهند.



پنجمین نشست از دوره سوم هیأت امناء پژوهشگاه روز شنبه مورخ ۱۳۹۵/۳/۲۲ در دفتر وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری برگزار شد. در ابتدای این جلسه که با حضور اعضای حقیقی و حقوقی هیأت امناء برگزار شد، گزارشی از اجرای «برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه در سال ۱۳۹۴» و همچنین گزارش پیشرفت اجرای «طرح جامع اعتلا و ساماندهی علوم انسانی» ارائه گردید، و اعضا ضمن تقدیر از اهتمام پژوهشگاه به برنامه‌محوری و تلاش جهت مشارکت موثر در مسائل جامعه و کاربردی‌سازی علوم انسانی، نکاتی را در جهت بهبود و ارتقای سطح فعالیت‌های پژوهشگاه بیان کردند. در ادامه، دستور جلسه پیشنهادی مطرح شد که پس از بحث و بررسی، تصمیم مقتضی درباره آنها اخذ شد. لازم به ذکر است هیأت امناء پژوهشگاه معمولاً سالانه ۲ جلسه به ریاست وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری برگزار می‌کند و ضمن پایش فرایندها و فعالیت‌های پژوهشگاه، راهبردهای پژوهشی و اجرایی این نهاد را تدوین می‌کند.

آقایان دکتر: حجت الاسلام و المسلمین غلامرضا مصباحی مقدم، محمد نهبوندیان، محمد جعفر حبیب‌زاده، ابراهیم

جلسه هیأت امنای کتابخانه استاد مینوی برگزار شد

همچنین با توجه به اهمیت منابع نفیس کتابخانه استاد مینوی بر تمیهدات لازم برای تهیه، حفظ و نگهداری این منابع تأکید شد و سایر موارد جاری کتابخانه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در پایان این جلسه نیز دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، از اعضای هیأت امنای کتابخانه قدردانی کرد.



جلسه هیأت امنای کتابخانه استاد مینوی با حضور اعضای هیأت امنای این کتابخانه، حضرت آیت‌الله دکتر محقق داماد، جناب آقای فانی و سرکارخانم دکتر شکوفه شهیدی و تعدادی از مسئولین و اعضای پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی، دکتر حسینعلی قبادی، دکتر سید سجاد علم‌الهدی، دکتر سید محمدرحیم ربانی‌زاده، دکتر ابراهیم دیباجی، دکتر سید محسن علوی‌پور، دکتر حمیدرضا رادفر، سرکار خانم دکتر زهرا پارساپور و سرکار خانم خانلرخانی (مسئول کتابخانه استاد مینوی) روز یکشنبه مورخ ۲۳ خرداد ۱۳۹۵ در محل کتابخانه استاد مینوی تشکیل شد.

در این جلسه مقرر شد تا علاوه بر تهیه فهرست تحلیلی کتاب‌های خطی و عکسی، تهیه و کتاب‌های چاپ سنگی و سربی نیز در قالب پروژه ارائه شوند و پس از بررسی محتوایی اسکن یادداشت‌های استاد مینوی در خصوص انتشار آنها اقدامات لازم صورت گیرد.

برگزاری جشن نیمه شعبان در پژوهشگاه

بشناسد و این کاروان هم مسیرش را طی می‌کند تا به سر حد مقصود برسد و این از جمله نعمت‌هایی است که خداوند منحصرأ به آن منت می‌گذارد. سپس خداوند هدایت را برای انسان‌ها قرار داد و دو رسول درونی و بیرونی را برای او گمارد. در ادامه پیامبران یکی پس از دیگری آمدند تا پیامبر (ص) که با معجزه جاوید خود یعنی «قرآن»، مهر پایانی بر انبیا زد.

دکتر زهرا شجاعی در ادامه افزود: حدیث دیگری از پیامبر وجود دارد که در آن به صراحت از حضرت مهدی (عج) یاد شده است که این حدیث به نام حدیث مهدویت معروف است و علمای سنی نیز این حدیث را یا در کتاب خود به همین عنوان نوشته‌اند و کتاب خود را به این بحث اختصاص داده‌اند و یا در میان مطالب خود در کتاب‌هایشان به این حدیث اشاره کرده‌اند.

این عضو هیأت علمی در خصوص منجی در ادیان مختلف نیز بیان کرد که در همه ادیان حتی کسانی که معتقد به خدا نیستند نیز زمانی مطرح شده که در آن زمان در این دنیا مساوات جهانی رخ می‌دهد. همچنین در ادیان مسیحیت، یهودیت و زرتشت نیز به ظهور یک منجی اشاره شده است. وی در ادامه در خصوص اشاره قرآن به این امر بیان کرد که نه تنها در قرآن به این مسئله اشاره شده؛ بلکه در روایات و ادعیه‌ها نیز به موضوع مهدویت اشاره شده است.

دکتر شجاعی سپس به محور دوم و رکن اساسی در محدودیت یعنی «غیبت» اشاره کرد و افزود: طی مراحل هدایت انسان و رشد و بلوغ آنها شاهد دور شدن معصومین (علیهم السلام) از مردم هستیم. گویی خداوند انسان را آرام آرام آموزش می‌دهد تا روی پای خود بایستد و با الهام گرفتن از آموزه‌های کتاب مقدس و همچنین با استفاده از عقل و سایر منابعی که وجود دارد تمرین کند تا بتواند از عقل خویش بیشتر استفاده کند. بنابراین می‌توان گفت که دوران غیبت کبری دورانی است، که آغاز عصر انتخاب است و این بشر است که باید برای خودش انتخاب کند.

وی همچنین با اشاره به حجاب میان مردم و امام عصر با توجه به گفته امام عصر (عج)، افزود: این حجاب میان مردم و امام ناشی از اعمال ناشایستی است که انسان‌ها انجام می‌دهند و باعث این حجاب می‌شوند.

دکتر شجاعی در ادامه به رکن سوم مهدویت یعنی بحث «انتظار» در دوران غیبت پرداخت و بیان کرد: اولین وظیفه‌ای که منتظران در عصر غیبت باید انجام دهند شناخت خود امام با همه ویژگی‌هایش است. منتظران باید امام، جایگاه امام، رسالت و وظیفه او را بشناسند.

به مناسبت ولادت حضرت مهدی (عج) و هم‌زمان با سالروز آزادی خرمشهر، مراسمی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای مراسم دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه، ضمن تبریک میلاد پربرکت امام زمان (عج) به روایتی از امام سجاد و تناسب میان معدن‌العلم و اهل البیت الوحی اشاره کرد و گفت: معلوم است که علم و وحی نه تنها با هم تعارضی ندارند بلکه با هم تناسب نیز دارند؛ وحی در حقیقت شکوفاساز عقل و عقل خادم وحی است.

او همچنین اظهار داشت: پژوهشگاه علوم انسانی می‌تواند هم‌زمان، هم به علم و دستاوردهای بشر امروز دست پیدا



کند و از فن و تکنیک‌های آن محروم نشود و هم می‌تواند در سایه تعالیم وحی، علم، روش و فن را درست به کار برد و آن را شکوفا سازد.

در ادامه مراسم، دکتر زهرا شجاعی، رئیس اسبق مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، در خصوص تقارن نیمه شعبان با سالروز آزادی خرمشهر بیان کرد: باید این امر را به فال نیک گرفته و پیامی را در ذهن خود تداعی کنیم تا کسانی که به دنبال اصلاحات در جامعه هستند، مصلح شوند؛ چرا که نمی‌توان بدون تغییر درونی و تلاش برای بهبود وضعیت روحی و روانی و شخصیت درونی به اصلاح جامعه و بهبود وضعیت جامعه اقدام کرد.

او در ادامه به چهار رکن اساسی مهدویت اشاره کرد و افزود: این چهار رکن یعنی «بعثت»، «غیبت»، «انتظار» و «ظهور» برای بررسی مهدویت ضروری است. همچنین مهدویت از بعثت شروع می‌شود، گویی که کاروان بشریت چهار ایستگاه اساسی دارد که در هر یک از این ایستگاه‌ها اتفاقاتی رخ داده است که این سلسله را به هم متصل می‌کند.

دکتر شجاعی با اشاره به سوره آل عمران (آیه ۱۱۹) گفت: خداوند انسان را خلق کرد که او را عبادت کند و او را



چهارم است با اشاره به حدیثی از امام صادق(ع) گفت که در این حدیث بیان شده است که هیچ‌کس جز خداوند از زمان ظهور آگاه نیست. وی در پایان به بحث حاکمیت قرآن بر اندیشه‌ها و رفتار در زمان ظهور اشاره کرد و با حدیثی از امام علی(ع)، به بحث خود پایان داد.



وی در ادامه به دعایی از حضرت مهدی (عج) اشاره کرد و ادامه داد: در بخش اول این دعا حضرت یکسری وظایف عمومی را برای همه مطرح می‌کند که درباره همه حیطه‌های وجودی انسان است و در بخش دوم آن برای گروه‌های خاص جامعه وظایفی را بیان می‌کند. وظیفه دیگر منتظران همانا مراقبه با حضرت است. دکتر شجاعی در ادامه در خصوص «زمان ظهور» که رکن



بازخوانی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) در عرصه سیاست خارجی

جایی که واژه شرق به تنهایی آمده مربوط به میلاد حضرت عیسی(ع) است که حضرت مریم(ع) برای تولد حضرت عیسی به مکان شرقی می‌رود و تنها جایی که واژه غرب به تنهایی آمده مربوط به دریافت وحی حضرت موسی(ع) است. به طور کلی در ادبیات اسلامی، نه شرقی نه غربی به معنای نفی انزواگرایی و نفی برون‌گرایی است. در موضوع سیاست خارجی هم جمهوری اسلامی از ابتدا سیاست نه شرقی نه غربی یعنی اعتدال و میانه‌روی را در پیش گرفته است و امام(ره) همواره تأکید داشتند که اصل نه شرقی نه غربی برای همه زمان‌هاست و مختص به زمان خاصی نیست. یکی دیگر از اساتید از سیاست خارجی به عنوان عرصه‌ای متغیر یاد کرد که نمی‌توان همواره به یک شیوه با آن برخورد کرد. وی گفت: باید دنبال این باشیم که اصول ثابت اندیشه سیاست خارجی امام(ره) را بیابیم و براساس آن‌ها تحلیلی از اندیشه امام(ره) داشته باشیم. نگاه امام(ره) به نظام بین‌الملل، نه واقع‌گرایی محض بود و نه آرمان‌گرایی محض. می‌توان گفت امام(ره) آرمان‌گرایی واقع‌بین است که رویکرد او را در عرصه بین‌الملل نشان می‌دهد.

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل پنجاه و چهارمین نشست علمی خود را با عنوان «بازخوانی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) در عرصه سیاست خارجی» روز سه‌شنبه مورخ ۹۵/۳/۱۱ در سالن اندیشه برگزار کرد. در ابتدا یکی از اساتید با بیان اینکه اصل «نه شرقی نه غربی» در نظام فکری امام(ره) و سیاست خارجی جمهوری اسلامی اصلی بنیادین و جا افتاده است، گفت: این اصل را اگر بخواهیم با توجه به متون اسلامی تفسیر کنیم نه شرقی بودن، سیاست عدم انزواست و سیاست نه غربی عبارت است از سیاست عدم وابستگی به بلوک‌ها و قدرت‌های دیگر، شرق و غرب هم در قرآن کریم آمده و هم در تاریخ تفکر اسلامی همیشه مطرح بوده است. دین مسیح را شرقی و دین یهود را با وصف غربی بودن ذکر می‌کنند که هر کدام به نوبه خود نوعی افراط دارند و اینکه اسلام دینی نه شرقی و نه غربی است، یعنی هیچ‌گونه افراطی ندارد. دین مسیح دین رهبانیت، درونگرا و انزواگرایانه و دین یهود دین برون‌گراست. اما دین اسلام هم اجتماعی است و هم به راهبایی‌های درونی توجه دارد. تنها

بررسی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا با تأکید بر ایران پسابرجام

نتایج آن چندان موافق نبودند و هزینه‌های زیادی را متحمل شدند. اتفاقات دیگری نیز در حوزه عمومی آمریکا در حال تکوین است که سابقه آن به بیش از دو دهه می‌رسد، روند اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داخلی آمریکا در مسیری حرکت می‌کند که چندان مطلوب بخش محافظه کار آمریکا نیست. به عبارت دیگر، جامعه آمریکا در سطح کلان، بیشتر یک مسیر لیبرال را طی می‌کند ولی بخش محافظه کار که عمدتاً در میان جمهوری خواهان مجتمع هستند، موافق این روند نیستند. به طور مشخص، برخی ایالت‌ها - حدود ۱۳ ایالت - رسماً ازدواج هم جنس گرایان را قانونی می‌دانند. این پدیده برای قشر محافظه کار آمریکا، پدیده مطلوبی نبوده و آن را به دور از خواسته‌ها و اعتقادات خود می‌داند.

هم‌زمان اتفاق دیگری که برای دموکرات‌ها اثرگذار بوده و نارضایتی‌هایی را در اردوگاه آن‌ها به وجود آورد، مسأله اقتصادی بود که حتی قبل از بحران ۲۰۰۸، فاصله بین دهک‌های بالای آمریکا با دهک‌های پایین به شدت افزایش پیدا کرد و براساس آن جنبش ۹۹ درصد شکل گرفت که این اعتراض بیش تر در بدنه دموکرات‌ها بود. روند اقتصادی، فاصله اشار کارگر و اقلیت‌های آمریکایی را نسبت به گذشته و نسبت به افزایش توانایی‌های عمومی آمریکا - تولید ناخالص ملی - زیاد کرد. بنابراین در طرفداران هر دو حزب نارضایتی‌هایی مشاهده می‌شود. در این شرایط، حزب در حال از دست دادن کارآمدی و کار ویژه‌هایی است که پیش از این داشته و حزب نمی‌تواند همه خواسته‌های اعضای خود را پوشش دهد و به همین خاطر با پدیده‌ای مواجه شدیم که فرد در حوزه اقتصادی طرفدار حزب جمهوری خواه است ولی در حوزه فرهنگی و اجتماعی، منش دموکرات دارد و همین‌طور به عکس. این هم عاملی است که افرادی که به عنوان (establishment) یعنی کسانی که در حوزه قدرت هستند و یا جزو سیاستمداران هستند، از پاسخ‌گویی به این خواسته‌ها ناتوان هستند. به همین دلیل در انتخابات این دوره در حزب جمهوری خواه و دموکرات درصد قابل توجهی به نامزدهایی رأی می‌دهند که آنها نیز حداقل در ادبیات خود نسبت به establishment اعتراض دارند. به همین دلیل آقای سندرز در حزب دموکرات و آقای ترامپ و تد کروزر در جمهوری خواه توانستند چنین آرای را جذب کنند. این یکی از پدیده‌های امروز انتخابات آمریکاست و نشان می‌دهد، هر کسی خواهان ریاست جمهوری آمریکا در ۲۰۱۷ است، نمی‌تواند نسبت به تغییر و تحولات بی‌توجه باشد. این متغیری است که سیاست‌های آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل نشست «بررسی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا با تأکید بر ایران پسابرجام» را در روز سه‌شنبه چهارم خرداد ماه ۱۳۹۵ با حضور دکتر سعید تائب، استاد دانشگاه و متخصص مسایل آمریکا برگزار کرد.

در زیر خلاصه‌ای از این سخنرانی آمده است: انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از چند حیث قابل بررسی است. طی چهار دهه اخیر، موضوع ایران همواره یکی از موضوعات مورد توجه کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا بوده است، لذا در این دوره نیز موضوع ایران با حساسیت مورد توجه است.



یکی از مسائلی که در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا روی داد، نحوه برخورد مردم با انتخابات است که بر نحوه برخورد نامزدها تأثیرگذار بود. اتفاقی در جامعه آمریکا (در حدود دو دهه) در حال روی دادن است که لایه‌های پایین جامعه آمریکا به خصوص قشرهای پایین طبقه متوسط از روند مدیریت کشور در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی رضایت کاملی ندارند، در نتیجه فشار زیادی را به نمایندگان خود در کنگره و حتی به رؤسای جمهور وارد می‌کنند تا شاید تعدیلاتی صورت بگیرد و موفق به انجام تغییراتی شوند. اما سطح نارضایتی‌ها نه تنها کاهش پیدا نکرد، بلکه بنا به دلایلی نتیجه سیاسی باعث افزایش سطح نارضایتی شده است. بحران سال ۲۰۰۸ درآمد قشرهای متوسط جامعه را کاهش داد و رکود و بیکاری را به حدود ۱۲ درصد رساند که نارضایتی اقتصادی را به همراه داشت. در حوزه مسایل خارجی نیز واقعه ۱۱ سپتامبر و به دنبال آن کاهش امنیت درونی آمریکا - البته مانند دیگر کشورهای پیشرفته صنعتی جهان - نگرانی دیگری برای مردم آمریکا فراهم آورد. به دنبال آن جنگ‌های افغانستان و عراق در حوزه روابط خارجی نیز به جایی رسید که گرچه اکثر مردم در زمان آغاز جنگ، با آن موافق بودند، اما با ادامه جنگ و

نکته مهم دیگر این است که این نوع اعتراضات تاکنون صرفاً جنبه‌های احساسی داشته و هنوز جنبه‌های فکری و آکادمیک پیدا نکرده است. وقتی معترضان در دو حزب را مشاهده می‌کنیم - گرچه تعداد معترضان دموکرات بیشتر است - متوجه می‌شویم انسجام لازم وجود نداشته و خواسته‌هایی وجود دارد که در تناقض و تعارض است، اما شانس تاثیرگذاری در انتخابات را یافته‌اند. از این رو مشاهده می‌شود، صحبت‌های نامزدها تحت‌تأثیر تغییر و تحولات نسبتاً احساسی رأی‌دهندگان تغییر می‌کند. در واقع می‌توان گفت تناقضاتی که وجود دارد، انعکاسی از جامعه است. به همین دلیل آقای ترامپ تبدیل به یک نامزد خاص شده است.

باید به این مسأله توجه داشت که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری یا نخست‌وزیری در اروپاست. گرچه انتخابات حزبی است اما چندان حزبی نبوده و متکی به شخص نامزد حاضر در انتخابات است. معمولاً چند موضوع نتیجه رأی نوامبر را مشخص می‌کند:

۱. نحوه برخورد نامزدها با موضوعات روز مانند مسأله داعش، مذاکرات هسته‌ای و موضوعات روز داخلی.

۲. جایگاه افراد رأی دهنده نسبت به حزب؛ (خود را دموکرات یا جمهوری خواه می‌دانند. این‌که تقریباً سال به سال تعداد افرادی که خود را مقید به یک حزب می‌دانند رو به کاهش و افراد مستقل در حال افزایش است). برخی نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد که تعداد مستقل‌ها در حال نزدیک شدن به ۵۰ درصد است. این نمود واقعی از جامعه آمریکاست.

۳. عامل دیگر تفاوت جایگاه جغرافیایی و منطقه‌ای کاندیدهاست. حتی می‌توان تفاوت را در میان افراد یک حزب و بعضاً از یک خانواده مشاهده کرد. یعنی مثلاً در حزب جمهوری خواه، دیدگاه‌های خانواده جمهوری خواهی که از شمال بیاید با جمهوری خواهی که از جنوب بیاید متفاوت است. (مانند بوش پدر و بوش پسر، یکی از شمال و دیگری از جنوب). همین مسأله در دموکرات‌ها مشاهده می‌شود؛ دیدگاه‌های اوباما و خانم کلینتون با هم متفاوت است.

۴. عامل دیگر شخصیت فردی کاندیدهاست. در انتخابات آمریکا فرد و شخصیتش نقش به‌سزایی دارد. هیچ کشور صنعتی به این اندازه متمرکز بر فرد نیست. از نحوه برخورد با افکار عمومی تا ظاهر و تیپ لباس که رأی‌آوری دارد. شاید از این منظر برخی از نامزدها در شرایط مناسبی قرار ندارند.

۵. مسائل کلان مورد توجه مردم: مسائلی هستند که الزاماً مسأله روز نیستند، اما برای مردم مهم است. هیچ موضوعی به اندازه اقتصاد (مالیات، تجارت، بیکاری و...) ذهن مردم را مشغول نمی‌کند. حدود ۶۰ درصد سنگینی رأی مردم در حوزه اقتصاد است. البته همه جای دنیا همین مسأله است و مسأله بعدی امنیت است.

بحث دیگر این که معمولاً سیاست خارجی به تنهایی وزن زیادی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ندارد، اما بعضی

موضوعات سیاست خارجی می‌توانند وارد مسائل روز شوند و تأثیر و وزن سیاست خارجی را افزایش دهند، مانند داعش. در حوزه سیاست خارجی به خصوص در قبال ایران، از دیدگاه هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات، ایران یک کشور استراتژیک است. کاندیدایی وجود ندارد که بتواند بگوید ایران مهم نیست. البته نگاه‌ها و برخوردهایشان به مقوله ایران متفاوت بوده، اما اهمیت ایران غیرقابل‌انکار است. از این رو مهم نیست چه کسی رئیس جمهور آینده آمریکا می‌شود چرا که رئیس جمهور آینده حتماً یکی از دل‌مشغولی‌هایش ایران است. البته در ۵ الی ۶ دهه گذشته ایران به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک خود مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. اما بعد از انقلاب ماهیت حاکمیت ایران وزن متفاوتی به آن داده است که البته از دید آمریکایی‌ها وزن مثبتی تلقی نمی‌شود. احزاب و کاندیدها دو نوع برخورد با ایران دارند:

۱- برخورد ابزاری؛ مثلاً دموکرات‌ها چیزی را راجع به ایران می‌گویند یا انجام می‌دهند، جمهوری خواه‌ها دقیقاً برعکس آن را می‌گویند؛ یا بالعکس. البته قسمتی از این ابزاری بودن صرفاً انتخاباتی نیست و حتی بعد از انتخابات نیز می‌تواند ادامه داشته باشد.

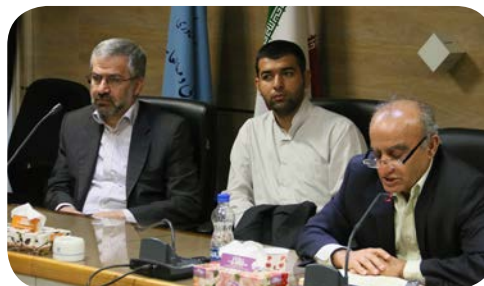
۲- برخورد محتوایی؛ بعضی موضوعات محتوایی است و با آن سیستمی برخورد می‌کنند و فرقی نمی‌کند کدام یک از کاندیدها یا احزاب پیروز شوند.



ما در دوران «در برجام» هستیم نه «پسا برجام». با آمدن رئیس جمهور جدید به طور ابزاری و طبیعی هر آنچه که دموکرات‌ها انجام دادند احتمالاً از سوی جمهوری خواهان انجام نخواهد شد؛ اگر فرض بگیریم که رئیس جمهور بعدی جمهوری خواه است. برخی از جمهوری خواهان اساساً دلیل مخالفتشان با توافق هسته‌ای به خاطر انتخابات و رأی آوردن در آن نیست، بلکه مخالفت با ایران ابزار مناسبی است که هر نوع نزدیکی به ایران را می‌خواهد متوقف کند. جمهوری خواهان توافق هسته‌ای را تأمین کننده منافع آمریکا نمی‌دانند. بسیاری در بین جمهوری خواهان این سوال را دارند که چرا آمریکا گلولی ایران را (با تحریم‌های یک‌جانبه) رها کرد؟ این‌ها کسانی هستند که باور دارند منافع آمریکا در منطقه با حضور ایران تأمین نمی‌شود و البته این افراد فقط در جمهوری خواهان هم نیستند، بلکه در بین دموکرات‌ها نیز وجود دارند. خانم کلینتون جمله معروفی

دارد که مربوط به بعد از حمله آمریکا به عراق است که گفته، چرا به ایران حمله نشد؟ با وجود همه این مسائل ما می‌دانیم که وقتی فردی در آمریکا رئیس جمهور می‌شود به یک سیستم می‌پیوندند و سیستم به مراتب جایگاه مهم‌تری نسبت به فرد دارد. حتی اگر تد کروزر در آینده رئیس جمهور آمریکا شود که گفته است توافق هسته‌ای را پاره می‌کند، مطمئناً نمی‌تواند چنین کاری را بعد از انتخاب انجام دهد و برخی جمهوری خواهان نسبت به این نوع اظهاراتش هشدار داده‌اند.

در آمریکا سیاستمداران کمتر صحبت‌های به دور از واقعیت (چه منفی و چه مثبت) پیرامون توافق هسته‌ای با ایران می‌کنند. معتقدم در آینده از سوی آمریکا تلاش برای برهم زدن توافق هسته‌ای بعید است، چرا که توافق به نفع آنهاست و در کل، سیستم آمریکا به این توافق رسیده است و به راحتی نمی‌توان قبول کرد که آنها این توافق را کنار بگذارند، به‌ویژه آن که پنج قدرت دیگر هم در کنارشان هستند. از این رو فکر نمی‌کنم آمریکا استراتژی برهم زدن توافق هسته‌ای را داشته باشد، مگر آن که طرف مقابل، یعنی ایران، دست به کار خاصی بزند که در افق پیش رو این مسأله هم دیده نمی‌شود.



به طور کلی جمهوری خواهان را به سه دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱- لیبرترین‌ها که عمدتاً کلاسیک فکر می‌کنند و معتقدند آمریکا در حوزه سیاست خارجی در موضوعاتی که با آن مرتبط نیست نباید دخالت کند.

۲- نفوکان‌ها یا محافظه‌کاران افراطی که با ایران موافق نیستند و معتقد به استفاده از ابزار نظامی هستند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که آمریکا مسئولیتی جهانی دارد که باید آن را با قدرت انجام بدهد. آن‌ها علی‌رغم اینکه ۸ سال در مسند قدرت بودند، اما هنوز استراتژی خود در رابطه با ایران را اعلام نکرده‌اند.

۳- واقع‌گرایان یا کسانی که بر مسائل اقتصادی متمرکز هستند، مانند کسینجر. این‌ها مخالف ایران هستند، اما توافق با ایران را رد نمی‌کنند. پیشینیان این‌ها مانند ریگان یا بوش پدر نیز با ایران معامله کردند.

حال ترامپ در کدام دسته قرار می‌گیرد؟ در هیچکدام، به دلیل پراکندگی فکری و عدم انسجام. شاید به این دلیل که قابل پیش‌بینی و محاسبه نیست، حتی از جانب متحدین

آمریکا نیز کاندیدای مطلوبی نمی‌باشد.

در بین دموکرات‌ها نیز گروه‌های متفاوتی هستند. مانند چپ‌ها و در رأس آن‌ها سندرز که با ایران موافق نیستند، اما به پیشبرد سیاست‌هایی که به همکاری‌هایی منجر شود قایل هستند. سیاست‌های او تا حدودی به سیاست‌های اوباما نزدیک است. او معتقد است که سیاست‌های آمریکا نسبت به ایران بستگی به نوع کنش‌گری ایران دارد. لذا اگر کنش‌گری ایران تغییر کند، سیاست‌های آمریکا نیز تغییر پیدا خواهد کرد.

گروه دیگر راست‌ها و مرکز حزب دموکرات هستند که تعداد آن‌ها قابل توجه است. خانم کلینتون نیز از این دسته است. این‌ها موافق افزایش فشار (بطور دائم) و کسب امتیاز از ایران هستند.

در حزب دموکرات گروه جدیدی نیز در حال شکل‌گیری است که به آن می‌توانیم گروه فکری اوباما بگوییم. در دوران اوباما نوع برخورد آمریکا با مقوله ایران متأثر از نحوه اندیشیدن شخص اوباما در مسائل بین‌المللی بوده است. البته اقدامات اوباما الزاماً محصول اندیشه‌های فردی او نیست، بلکه بخشی از اندیشه‌هایش محصول تحولاتی است که در جهان رخ می‌دهد و برتری اوباما در این مسأله این است که فهم بهتری را از این تحولات دارد. همگان می‌دانیم که اولویت اول و کلیدی برای قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبیین نظام منطقه‌ای و بین‌المللی است و اگر بخواهیم سیاست قدرت‌های جهانی را فهم کنیم باید به این مسأله بپردازیم که چه نظامی مطلوب آن‌ها است. در حال حاضر جهان در دوران گذار است و این شرایط نقش بازیگران قدرتمند از جمله آمریکا را پررنگ می‌کند. در این وضعیت کاندیداها و رئیس جمهور بعدی آمریکا باید به دو سؤال کلیدی پاسخ بدهند:

۱- وضعیت جهان را چگونه می‌بینند؟

۲- وضعیت و قدرت آمریکا را چگونه می‌دانند؟

بیل کلینتون و جرج بوش قدرت آمریکا (عمدتاً در حوزه سخت‌افزاری) را خیلی زیاد می‌دانستند، اما اوباما این گونه نمی‌بیند.

در حال حاضر متغیری وارد سیاست بین‌الملل شده که خیلی چیزها را عوض کرده است و آن برداشته شدن مرزهای سیاسی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی است. در این شرایط دولت-ملت نقش سابق خود را نمی‌تواند بازی کند. ما این مسأله را در تحریم ایران و عدم همکاری کامل شرکت‌ها و کارتل‌های بزرگ اقتصادی دیدیم. بزرگترین مخالفین تحریم ایران کمپانی‌های بزرگ نفتی بودند.

اوباما معتقد است جهان در شرایط رقابتی است و نه تخاصم و در این شرایط یک قدرت نمی‌تواند هژمون باشد، بلکه می‌تواند صرفاً شرایط را مدیریت کند. تفاوت کلیدی این تفکر ما را به سمت بازی برد - برد و در مقابل آن بازی برد - باخت سوق می‌دهد و آمریکای اوباما با این تفکر با ایران مذاکره کرد و نگفت که برنامه هسته‌ای ایران باید صفر

شود. این حداقل نگاه او بود و یا باید بگوییم غیر از این نمی‌توانست ببیند. اوباما حتی در مصاحبه‌ای که در مجله آتلانتیک منتشر شد به عربستان هشدار داد که جنگ سرد فایده ندارد بلکه صلح سرد خوب است و مبنای صلح سرد بازی برد-برد است. اوباما توانست با همین دیدگاه از تابوی کوبا و ویتنام که دو حادثه و رویداد عظیم در تاریخ آمریکا بوده‌اند عبور کند و باید به این رفتار آمریکا بیش از پیش توجه کنیم. بدون شک ملت ویتنام در جنگ با آمریکا هزینه‌هایی می‌پرداختند و متقابلاً آمریکایی‌ها نیز در این مسیر هزینه زیادی پرداخت کردند اما اوباما با سفر به ویتنام و برداشتن تحریم‌ها نشان داد که تفکرش قائل به پذیرش بازیگران منطقه‌ای دیگر است اما این تفکر بر معامله از منظر قدرت حاکم است نه از منظر ضعف. تفکر اوباما قائل به آن است که باید بازیگران در سطوح پایین بازی خودشان را انجام بدهند. چاک هگل، وزیر دفاع سابق آمریکا - از جمله سناتورهای که به همراه اوباما وارد عرصه قدرت شد - می‌گوید: در سفری به عراق در سال ۲۰۰۸ از اوباما پرسیدم که باید با اینجا (عراق) چه کار کرد؟ و اوباما پاسخ می‌دهد اینها (عراقی‌ها) جز این که خودشان باید بازی کنند کاری نمی‌شود کرد. آنها (عراقی‌ها) در یک دوران گذار تاریخی هستند و ما (آمریکا) تصادفاً در این جا قرار گرفتیم و اگر دوران گذار آنها را فهم نکنیم ما هم به ستون بازنده‌ها می‌رویم. این چنین است که حالا بعد از ۸ سال در مصاحبه‌اش با مجله آتلانتیک می‌گوید خاورمیانه لغزنده است و نباید در درون آن رفت بلکه باید در حاشیه‌اش ایستاد.

سنگینی سیاست اوباما تا جایی است که سیستم آمریکا آن را پذیرفت و رئیس‌جمهور بعدی، چه جمهوری‌خواه باشد چه دموکرات، با تغییراتی همین راه را ادامه خواهد داد. آمریکا در مسیر اجرای نقش مدیریتی خود در جهان قرار دارد. این در حالی است که از یک طرف در دنیا قدرتی که بتواند نقش فعلی آمریکا را زیر سؤال ببرد وجود ندارد و از طرفی به نفع قدرت‌های دیگر هم نیست که بخواهند بازی دیگری انجام دهند. آنچه که در آمریکا اتفاق افتاده و در آینده پیش روست برای ایران یک فرصت است (کلیتون بیشتر و ترامپ کمتر). ما می‌توانیم با ادامه سیاست اوباما در آینده بر روی توانمندی‌های خود تمرکز و نظم منطقی که به منافع ما نزدیک است را در منطقه ایجاد کنیم. با همه این‌ها اگر بپرسید که آمریکا با سیاست اوباما موافق تفکر و ماهیت جمهوری اسلامی است؟ باید بگوییم، خیر و اگر باز بپرسید آیا آمریکا خواستار نابودی سیستم سیاسی حاکم بر ایران است؟ باید بگوییم، بله. با این تفاوت که آمریکا امروز معتقد است برای نابودی ایران و از بین بردن ماهیت و تفکر جمهوری اسلامی نباید به طور مستقیم وارد شود. آمریکایی‌ها به ایران به عنوان سرزمین نگاه مثبت اما به عنوان یک سیستم سیاسی نگاهی منفی دارند. حال آیا گرایش ایران در آینده باید به سمت آمریکا باشد

یا قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ترکیه و عربستان؟ باید گفت اساساً مسائل ما منطقه‌ای است و باید با عربستان و ترکیه در منطقه هماهنگ باشیم نه لزوماً آمریکا. امروز عربستان از تحولات رخ داده در منطقه شوکه شده است و از طرفی آمریکا هم به دلایل دیگر نقش قبلی را در حمایت از عربستان ایفا نمی‌کند از این رو عربستان دست به حرکاتی می‌زند که خارج از ظرفیت‌اش است. معتقدم باید وضعیت و موقعیت قدرت‌های منطقه‌ای را درک کرده و بیش از پیش به سمت آنها حرکت کنیم تا از حجم مشکلات منطقه بکاهیم. باید مواظب باشیم در دام سعودی‌ها نیافتیم. ایران از نظر دموکراسی از کشورهای منطقه جلوتر است؛ بدین معنی که از برخی کشورها که یک مرحله از نظر ساخت مدیریتی و در مقایسه با برخی یک مرحله تاریخی جلوتر است. وقتی رفتار ایران در مقایسه با ترکیه و عربستان را می‌بینیم کاملاً این موضوع قابل لمس است. در هر حال ایران توانسته است با گفت‌وگو با بزرگترین دشمنش در موضوع هسته‌ای به یک توافق برسد که نشان‌دهنده توان و ظرفیت ایران است. از این حیث منطق ایرانی‌ها در نظام بین‌الملل قابل پذیرش تر از رقبایش است.

جمع‌بندی

علی‌رغم تأثیر انتخابات و نقش کاندیداها و احزاب در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در آمریکا، نهایتاً این سیستم است که در آمریکا حرف آخر را می‌زند. اما با این حال نقش فردی رییس‌جمهور در آمریکا را نباید کم اثر بدانیم. در میان روسای جمهور آمریکا در چهار دهه اخیر، هیچ کدام به اندازه اوباما نقش فردی مؤثری نداشتند. کلینتون یا ترامپ به اندازه اوباما نمی‌توانند این نقش را داشته باشند. لذا یا باید در راه سابق قدم بگذارند که راهی شکست خورده است، یا باید در راه اوباما قدم بردارند و راه او را ادامه بدهند. هر یک از این راه‌ها در کل با منافع ایران سازگاری ندارد، اما راه دوم برای ایران کم هزینه‌تر و دارای فرصت‌های بیشتری برای استفاده است.



اقتصاد مقاومتی و نقش دولت در آن

دارد و آن نهاد، دولت است که کار تنظیم‌کنندگی روابط اجتماع را دارد. دولت همه شئون جامع را باید تنظیم کند، باید مشخص شود که دولت پدیده قبل اجتماعی است یا بعد اجتماعی؟ که به نظر بنده پدیده‌ای قبل اجتماعی است. بسیاری از دولت مردان قبل از رسیدن به قدرت از کوچک شدن دولت صحبت می‌کنند اما بعد از رسیدن به قدرت به یکباره موضوع فراموش می‌شود.



کار دارند و دخالت دولت کاهش پیدا می‌کند یک سری معترض هستند، در جاهایی که دولت نیز بیش از حد ورود پیدا می‌کند مشکلات دیگری به وجود می‌آید. در کشور ما مسئله دخالت دولت بحث‌برانگیز است. دولت در اقتصاد نقش جدی و پررنگی دارد یکی از عوامل ناکارایی، دخالت‌های نابجایی است که توسط دولت صورت می‌گیرد. کارشناسان در مورد اینکه دولت چه نقش و ماهیتی داشته باشد نظرهای مختلفی دارند. در کشورهای آسیایی دولت دخالت خوبی داشته است ولی در بعضی کشورهای آمریکای لاتین دولت دخالت خوبی نداشته است. استاد دیگری ادامه داد: واقعیتی که در ایران در رابطه با دولت و نسبت آن با بخش‌های خصوصی وجود دارد به‌طور منطقی برقرار نشده است، چند بخش را جدا کرده‌ایم و اسم آن را دولت گذاشته‌ایم. در صورتی که عمده این بخش‌ها که جدا شده‌اند در ذات خود می‌توانند تبدیل به بخش خصوصی شوند. یکی از اساتید بحث خود را اینگونه ادامه داد: دولت و عملکرد آن از قدیم تاکنون تفاوت زیادی پیدا کرده است. تجربه‌های موفق عملکرد بازار در اقتصادهایی اتفاق می‌افتد که دولت نقش کلیدی در آن پیدا کرده ساست. در ادامه بحث یکی از اساتید به فلسفه تأسیس دولت اشاره کرد و گفت: وقتی زندگی جمعی را انتخاب می‌کنیم مسائل عمیق‌تر و گسترده‌تری را پدید می‌آورد و همین باعث می‌شود که اجتماع به سمت تأسیس نهادی برود که نقش تعدیل‌کنندگی را

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل پنجاه و دومین نشست علمی خود را با عنوان «اقتصاد مقاومتی و نقش دولت در آن» روز سه شنبه مورخ ۹۵/۲/۲۸ در سالن اندیشه برگزار کرد. در ابتدای نشست، یکی از اساتید با طرح مباحثی در خصوص نوع ورود دولت در مباحث اقتصادی، کوچک یا بزرگ شدن دولت، اتکاء دولت بر درآمدها و تأثیرات آن این پرسش را مطرح کرد که نظام‌های دولتی و تمرکزگرایی که در دولت هست چقدر با شرایط کشور هم‌خوانی دارد؟ اینها نشان‌دهنده این است که مسئله دولت نتوانسته بعد از انقلاب به‌صورت تثبیت شده و قابل قبول قرار گیرد. سخنران دوم اشاره کرد: بحث دولت بحث پیچیده و مناقشه‌برانگیز است. در عصر سیاست یکی از کارکردهای اساسی دولت تأمین رفاه از طریق ارائه خدمات اجتماعی است. دولتی که به رفاه اجتماعی، نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه بی‌تفاوت باشد یکی از کارکردهای اساسی خود را از دست داده است. اینکه دولت به چه نحوی و با چه ساز و کاری به تأمین رفاه و کار پردازد، مناقشه‌برانگیز است. در جریان اصلی اقتصاد از دوره کلاسیک پیش بینی شده که بازار نواقصی دارد که در بعضی جاها خود را به صورت شکست بازار نشان می‌دهد. این نواقص و شکست‌ها اشکال مختلفی دارد. اگر بازار نتواند تخصیص بهینه منابع را انجام دهد، انحصار شکل می‌گیرد. در عرصه عمل در جاهایی که نیروهای بازار میدان

دلایل افول معتزله در جهان اسلام و تبیین ضرورت احیای تفکر اعتزالی در عصر حاضر

جلسه سخنرانی دکتر اعظم قاسمی، عضو هیأت علمی پژوهشکده حکمت معاصر، با عنوان «دلایل افول معتزله در جهان اسلام و تبیین ضرورت احیای تفکر اعتزالی در عصر حاضر» در روز یکشنبه مورخ ۹۴/۱۲/۰۹ برگزار شد.

وی در این جلسه با اشاره به اهمیت فرقه معتزله گفت: این فرقه یکی از بزرگترین و مهمترین فرقه‌های کلامی است که در اواخر قرن اول هجری تأسیس شد. معتزلیان به دو گروه معتزلیان سیاسی و کلامی تقسیم می‌شوند. مؤسس معتزله کلامی «واصل بن عطا» است. دلیل آن را نیز رویگردانی وی در مجلس درس حسن بصری، دانسته‌اند؛ به دلیل این که حسن بصری پاسخ قانع کننده‌ای به سؤال وی در خصوص جایگاه مؤمن فاسق نداده بود. مهمترین عقاید معتزله که تمام فرقه‌های معتزلی به آن پایبند هستند و اگر به این اصول اعتقاد نداشته باشند، جزو معتزله محسوب نمی‌شوند، پنج اصل: توحید، عدل، منزلت بین‌المنزلتین، وعد و وعید و امر به معروف و نهی از منکر هستند. دوران طلایی معتزله تحت حکومت عباسیون بود و زوال ایشان در دوران متوکل و قرن چهارم قمری آغاز شد.

معتزله هم در الهیات، هم در اخلاق و هم در سیاست دارای آراء اختصاصی خود بودند که همه اینها با یک روشی واحد بود و آن روش هم عقل‌گرایی و اصالت دادن به خردباوری بود. در واقع معتزله، نخستین فرقه‌ای است که تا این حد به عقل اصالت و بها داده‌اند. جمله معروف آنها این است که: «خردورزی قبل از ورود به مباحث نقلی ضروری است». عقل

باوری معتزله در زوال آنان نقش مهمی داشته است و دلیل ضرورت احیای این فرقه نیز دقیقاً به همین دلیل است.

عقل باوری آنها بدین معنا بود که آنها فهم قرآن را برای عقل بشر امکان‌پذیر می‌دانستند؛ یعنی قرآن را قابل فهم می‌دانستند و معتقد بودند که عقل بشری قادر به فهم معنا و مراد دین هست و شناخت خداوند که اصل دین محسوب می‌شود، به وسیله عقل صورت می‌گیرد. معتزله با این روش زمانی که به سراغ تفسیر آیات قرآنی می‌رفتند هر جا که تعارضی ظاهری مشاهده می‌کردند، به نفع عقل، آیات قرآن را تأویل می‌کردند بنابراین از نخستین کسانی بودند که راه تأویل قرآن را در پیش گرفتند.

بحث دیگری که معتزله به صورت اختصاصی داشتند، اخلاق بود که در این خصوص معتقد بودند عقل بشر قادر به فهم و درک خیر و شر امور است که اولین پیامد این بحث، استقلال اخلاق از دین بود، در حالی که بسیاری از متدینین در اخلاق خود را نیازمند به دین می‌دانستند. اعتقاد ایشان ذیل امر به معروف و نهی از منکر نتایج سیاسی داشت. به نظر ایشان مؤمنان حق امر به معروف و نهی از منکر حاکم را دارند و در نهایت اگر حاکم ظلم را ادامه دهد، اجازه دارند که بر علیه او قیام به سیف کنند.

اهل حدیث مهمترین کسانی بودند که در مقابل معتزله صف‌آرایی کردند. به نوعی به نظر می‌رسید که اینها در برابر قرآن و حدیث گردن‌کشی می‌کنند و عقل خود را برتر می‌دانند. از مهمترین مسائلی که باعث شد معتزله نه تنها از سمت حنبلی‌ها، (که هیچ اعتقادی

به عقل نداشتند) بلکه از سوی برخی شیعیان متأخر نیز مورد انتقاد قرار بگیرند، مسئله خردگرایی بود که از آن به عنوان خردگرایی افراطی یاد می‌شود. این امر یکی از مهم‌ترین دلایل افول معتزله است. با اینکه خود شیعیان هم به عقلانیت باور دارند و مباحثی مثل توحید و عدل را هم قبول دارند، اما خردگرایی افراطی معتزله را نقد می‌کنند. عقل‌گرایی شیعی کاملاً با عقل‌گرایی اعتزالی متفاوت است چرا که ما در مذهب شیعه امام معصوم را داریم و امام بر شیعیان ولایت دارد درحالی‌که در تفکر اعتزالی آنها با هرگونه مفهومی این چنینی مخالف هستند و اصولاً با تقلید مخالف هستند و می‌گویند هر انسانی می‌تواند عقل خود را به کار

ببرد و با خدا ارتباط برقرار کند. دلیل دیگری که در افول معتزله مؤثر بود جریان محنةالقرآن است که طی آن معتزله که قائل به حدوث قرآن بودند، معتقدان به قدم قرآن را تبعید و زندانی کردند و این مساله نقطه سیاهی در کارنامه ایشان بود.

یک عامل فرعی در افول معتزله نیز این بود که تعالیم معتزله انتزاعی بود و درکش برای عموم مردم دشوار بود و همین مساله باعث می‌شد تا عوام به سوی فرق رقیب سوق یابند.

هرچند معتزله در خردگرایی افراط کردند و همین یکی از عوامل اصلی افول‌شان بود، اما ضرورت دارد که احیا شوند. میراث همه جریان‌های سنتی باید مورد توجه باشد، اما از سوی دیگر با توجه به ظهور جریان‌های ظاهرگرا و خشونت‌آمیز توجه به معتزله ضروری است.

نشست مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی:

جنبش‌های اجتماعی جدید، جستجوی هویت‌های فرهنگی و تأثیر آن بر امنیت جامعه‌ای؛ با تأملی در باب جامعه ایرانی

می‌توانند به موجودیت‌هایی ضد دموکراتیک، اقتدارگرا و یا حتی توتالیتر بدل شوند. در واقع، جنبش‌های اجتماعی جدید، نوعی از جنبش‌ها هستند که در جوامع پسا صنعتی روی می‌دهند و هدف اصلی آنها کسب حقوق فرهنگی و بازنمایی هویت فرهنگی به نحوی مستقل می‌باشد. بدین معنا، جستجوی هویت‌های فرهنگی مهمترین ویژگی جنبش‌های اجتماعی جدید است که در آن گروه‌های به حاشیه رفته و اقلیت‌های هویتی تلاش می‌کنند تا هویت خود را، از زبان خود و نه از زبان گروه‌های غالب اجتماعی بیان کنند. از آنجایی که امنیت اجتماعی نیز بنا بر تعریف مهمترین مؤلفه‌های خود را حفظ موجودیت، هویت و ارزش‌های افراد و گروه‌ها می‌داند، لذا خیزش جنبش‌های اجتماعی جدید به‌ویژه در طلیعه قرن بیست و یکم به اهمیت فزاینده امنیت اجتماعی در جهان امروز انجامیده است، امری که جامعه ما، ایران نیز از آن مستثنی نمی‌باشد.



نشست مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی با عنوان «جنبش‌های اجتماعی جدید، جستجوی هویت‌های فرهنگی و تأثیر آن بر امنیت جامعه‌ای؛ با تأملی در باب جامعه ایرانی» روز سه‌شنبه ۴ خرداد ۱۳۹۵ با سخنرانی دکتر سلمان صادقی‌زاده برگزار شد. در این نشست که با حضور آقای محمدعلی مینایی، مدیر گروه پژوهشی جامعه و امنیت، دکتر قدیر نصری، دبیر نشست مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی و اعضای اصلی نشست برگزار گردید، دکتر سلمان صادقی‌زاده با ارائه تعریفی از جنبش‌های اجتماعی جدید بر اهمیت روز افزون آنها بر مقوله امنیت اجتماعی تأکید کرد و گفت: جنبش‌های اجتماعی جدید ویژگی‌هایی دارند که آنها را از اقسام مختلف جنبش‌های پیش از خود متمایز می‌سازد. از جمله اینکه جنبش‌های اجتماعی طبقه‌ای بسیار خاص در درون مجموعه گسترده‌ای از کنش‌ها هستند که در پی دست یافتن به نیازها و تقاضاهای مختلف‌اند. این جنبش‌ها در راستای مبارزه برای دستیابی به حقوق جدیدی تلاش می‌کنند و در این راستا گام برمی‌دارند که البته از تنوع و گونه‌گونی بالایی برخوردارند ولی همگی در پی بازشناسی نوع جدیدی از حقوق، یعنی حقوق فرهنگی، هستند. این نیازها جدید بوده و در جامعه صنعتی یا پیشاصنعتی یافت نمی‌شوند. باید گفت، حقوق فرهنگی، همچون حقوق اجتماعی که پیش از آنها وجود داشت، اگر با حقوق سیاسی، که حقوقی جهان‌شمول هستند، پیوند مستحکمی نداشته باشند و یا اینکه نتوانند در درون سازمان اجتماعی، به‌ویژه نظام تخصیص منابع اجتماعی، جایی برای خود پیدا کنند



نشست کتابخوان تخصصی «امام و انقلاب اسلامی» برگزار شد

کتاب جوهره اندیشه امام مورد بررسی قرار گرفته است. مهمترین بحث حضرت امام راحل رابطه «دین و سیاست» است.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اظهار کرد: در فصل چهارم از کتاب «اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)» اهداف حکومت مانند آزادی، عدالت، استقلال و هویت اجتماعی بررسی شده است.

دکتر فوزی در بخش دیگری از نشست تخصصی کتابخوان با عنوان «امام و انقلاب اسلامی» کتاب دیگر خود با عنوان «جنبش‌های اسلام‌گرای معاصر؛ بررسی منطقه‌ای» را برای حضاران در نشست معرفی کرد و گفت: این کتاب دارای رویکرد «بررسی منطقه‌ای» است؛ به عبارتی در این اثر مناطق مختلف جهان اسلام که با یکدیگر دارای تفاوت‌هایی هستند بررسی شده است. در این اثر بر مباحث «فقهی و کلامی» تأکید شده و در ادامه نیز «سنت‌گرایان محافظه‌کار» و «سنت‌گرایان اصلاح‌طلب» در کنار «سلفی‌های مدرسه‌ای و جهادی» و نیز «جریان تجددگراها» مورد واکاوی قرار گرفته است.

این پژوهشگر حوزه علوم سیاسی ادامه داد: «انقلاب اسلامی» در میان «سنت‌گرایان اصلاح‌طلب» جای می‌گیرد، چرا که امام راحل نیز دارای نگاه اصلاح‌طلبانه بودند.



حجت‌الاسلام دکتر داود مهدوی‌زادگان: فقه سیاسی و متون فقهی

حجت‌الاسلام دکتر داود مهدوی‌زادگان دیگر سخنران این نشست بود که کتابی به قلم خود با عنوان «فقه سیاسی در اسلام» را برای حضاران معرفی کرد.

وی گفت: فصل‌های این کتاب در فرآیند تحقیق شکل گرفت و به رهیافت جدیدی با عنوان نظریه «دولت مکلف» منجر شد. باید به این نکته نیز اشاره کنم که «فقه سیاسی» عبارتی است که در متون فقهی کمتر دیده شده است.

معاونت فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی، نشست کتابخوان تخصصی «امام و انقلاب اسلامی» را در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۳۹۵ در پژوهشگاه برگزار کرد. در این نشست سه نفر از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه در خصوص کتاب‌های خود توضیحاتی ارائه دادند. دکتر یحیی فوزی کتاب «امام و انقلاب اسلامی»، حجت‌السلام دکتر داود مهدوی‌زادگان کتاب «فقه سیاسی در اسلام» و دکتر عبدالله قنبرلو کتاب «دین و روابط بین الملل» را معرفی کردند.

دکتر یحیی فوزی: «پیشرفت» و «معنویت» منویات امام راحل

دکتر یحیی فوزی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این نشست ضمن معرفی کتاب «اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» به قلم خود، گفت: اندیشه امام خمینی(ره) از نظر اینکه معمار انقلاب اسلامی است، مهم به شمار می‌رود. دنیای امروز علاقه‌مند شناخت اندیشه‌های امام راحل است. به نظر می‌رسد آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی تنها از رهگذر و شاخص قرار دادن اندیشه امام خمینی(ره) قابل بررسی است. امام خمینی(ره) یک متفکر اسلامی است که دارای دغدغه «پیشرفت» و «معنویت» بوده و در کنار آن به پیوند عقل و دین و سنت و مدرنیته نیز فکر می‌کرده است.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اظهار کرد: کتاب «اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)»، با هدف تدریس به رشته تحریر درآوردم. ویراست دوم آن پنج سال پیش منتشر شد و ویراست سوم آن نیز در حال انتشار است. این کتاب با توجه به بازخوردش در بین مخاطبان به روز و ویرایش می‌شود.

فوزی با طرح این پرسش که، چگونه می‌توانیم اندیشه امام (ره) را بشناسیم؟ گفت: برای شناخت اندیشه دو راه وجود دارد؛ نخستین راه این است که به «منطق اندیشه» توجه کنیم و در راهکار بعدی به بیرون اندیشه یعنی روابطی که منتج به اندیشه می‌شود توجه نشان بدهیم. اندیشه نوعی تعامل بین «عین» و «ذهن» است.

وی ادامه داد: درباره محتوای این کتاب باید بگویم، فصل اول آن به شرایط شکل‌گیری اندیشه امام می‌پردازد و در فصل دوم نیز به نوع تحلیل وضعیت موجود اشاره شده است. اندیشه امام خمینی (ره) متأثر از سه سطح مبانی فقهی اصولی، اسلامی و شیعی است. در فصل سوم این

لحاظ روشی نیز ۱۲ اصل مفروض در جریانات سیاسی حاکم است. نکته مهم این است که روابط بین‌المللی «پوزیتیویستی» است.

وی ادامه داد: فصل نخست این اثر به بررسی «مدرنیته، دین و علم» می‌پردازد. در فصل دوم نیز «مدرنیته و تئوری روابط بین‌الملل» و در کنار آن «جایگاه دین در روابط بین‌الملل» و نیز بحث «به سوی تئوری دینی روابط بین‌الملل» در فصل‌های دیگر این اثر بررسی شده است.



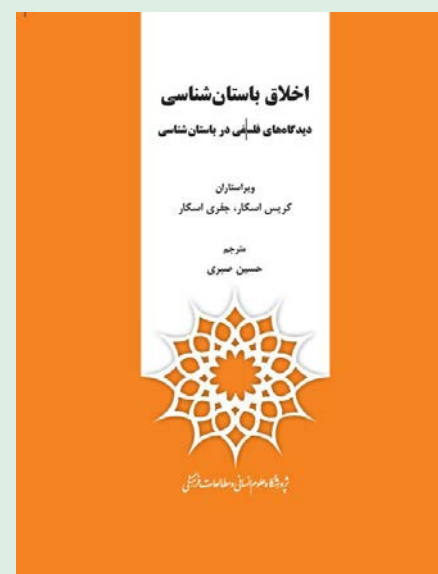
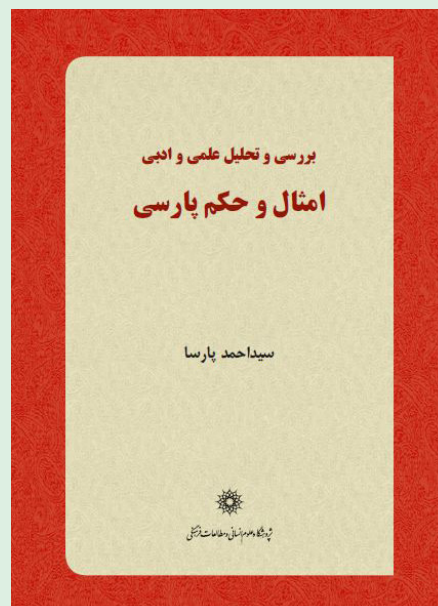
سوال مهم این است که «فقه سیاسی» را در کدام بخش از فقه می‌توان دید و مطالعه کرد؟ در این امر با یک پراکندگی مواجه هستیم. همین پراکندگی برای من مساله مهمی بود که تعریف «فقه سیاسی» در کجای این آشفتگی است؟

مهدوی‌زادگان با اشاره به این که دو نوع دیدگاه «برون دینی» و «درون دینی» در فقه وجود دارد، عنوان کرد: نگاه «برون دینی» را در سه فصل بررسی کردم. کسانی که دارای دیدگاه «برون دینی» هستند نیز دارای دو چشم‌اندازند: عده‌ای نگاهشان «رایج» و عده‌ای هم دارای نگاه «تحول‌خواه» هستند. کسانی که دیدگاه «رایج» دارند عمدتاً بر این عقیده هستند که با فقه موجود می‌توان به سیاست پرداخت اما در مقابل «تحول‌خواهان» قرار دارند که از فقه قرائت‌های مختلفی دارند. امام راحل دارای دیدگاه «تحول‌خواهانه» بودند. در فصلی از این کتاب به بیان اندیشه سیاسی امام و فقه از منظر ایشان پرداخته‌ام.

دکتر قنبرلو: بررسی جایگاه دین در عرصه بین‌المللی
دکتر عبدالله قنبرلو، دیگر عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، آخرین سخنران این نشست بود. وی کتاب «دین و روابط بین‌الملل» را برای مطالعه به حاضران معرفی کرد و ادامه داد: این اثر به بررسی جایگاه دین در عرصه بین‌المللی می‌پردازد. در کتاب این سوال مطرح می‌شود که چرا «دین» در جریان اصلی روابط بین‌الملل در حاشیه بوده است؟ طی دهه‌های اخیر و از سال ۱۹۸۰ به بعد دین در عرصه‌های بین‌المللی پررنگ شد.

وی با بیان این‌که انقلاب اسلامی از سوی امام (ره) در واکنش و علیه نظم موجود آن زمان اتفاق افتاد، اظهار کرد: «رنالیسم» و «لیبرالیسم» به عنوان دو شاخه مهم که دارای متفکران و پیروان خود هستند در جریان اصلی سیاست دیده می‌شود. پیروان «رنالیسم» متأثر از آرای «هابز» و «ماکیاولی» هستند و اصالت را به «جنگ» می‌دهند. در مقابل آنها «لیبرالیسم» قرار دارد که اصالت را به «صلح» می‌دهد و از «جان لاک» و «کانت» تبعیت می‌کنند. به

تازه‌های نشر



مدیرمسئول: سیدمحسن علوی‌پور

سر‌دبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: سمانه خودچیانی، محسن باباخانی، شهرام اصغری و سیدفرزاد حسینی

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir